

دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا یگانه ضامن حقیقی دستاوردهای درخشان اکتبر سرخ

اگر انقلاب سوسیالیستی بمعنی سرنگونی قهر آمیز حکومت بورژوازی بدست زحمتکشان برهبری پرولتاریا است .

اگر انقلاب سوسیالیستی بمعنی بزیر کشیدن بورژوازی از اریکه قدرت و جایگزینی قدرت سیاسی پرولتاریا است .

اگر انقلاب سوسیالیستی بمعنی این است که پرولتاریا باید از قدرت سیاسی خویش استفاده نموده تا قدم بقدم سرمایه یعنی وسائل تولید از قبیل ؛ فابریکها- کارخانجات- موسسات صنعتی و تجاری- تمامی منابع زیر زمینی و روی زمینی- تمامی خطوط راههای زمینی ، هوایی ، دریائی- تمامی بانکها و .. را از چنگال بورژوازی سرنگون شده خارج گرداند و آنها را در اختیار دولت سوسیالیستی قرار دهد .

اگر انقلاب سوسیالیستی بمعنی تولید بر اساس نیاز جامعه با برنامه ای متمرکز و با نقشه است .

اگر سرانجام انقلاب سوسیالیستی پله ای است که با تولید و توزیع نقشمند با هدف از بین بردن طبقات و اختلافات طبقاتی بمنظور ایجاد جامعه بدون طبقات یعنی جامعه کمونیستی است .

پس معلوم و روشن است ؛ حکومت زحمتکشان برهبری پرولتاریا می باید : هم در اقتصاد و هم در سیاست برنامه ای را دنبال کند که در جهت از بین رفتن طبقات و اختلافات طبقاتی سیر طریق نماید . معنی بکار بردن برنامه ای که هم در اقتصاد و هم در سیاست بسمتی حرکت کند که حاصل آن محو طبقات و اختلافات طبقاتی باشد ، یعنی با تحقق شاخص سوسیالیسم در بخش اقتصاد ؛ با

تبدیل مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی ، با برقراری پیوند بین نیروهای تولیدی با ابزارهای کار ، برای همیشه به استثمار انسان از انسان پایان بخشد . در سیاست هم بر اساس اصول تخطی ناپذیر سوسیالیسم علمی که ؛ هرگز پرابری استثمارشوندگان را با استثمارکنندگان قبول ندارد ، می باید بدون کم و کاست راههای هرگونه امکانات رشد و گسترش طبقات استثمارگر سرنگون شده (بورژوازی) و کلیه جریانات ضد انقلاب را که در جهت احیای مجدد طبقات فعالند مسدود گرداند .

امری که اکتبر سرخ از فردای پیروزیش علیه بورژوازی علیرغم خرابی های ناشی از جنگ امپریالیستی اول (1914- 1918)- علیرغم محاصره 14 کشور امپریالیستی- علیرغم اعمال بسیار گسترده خرابکارانه ضد انقلاب داخلی که مشکلاتش کمتر از مصائب تجاوزگرانه قوای امپریالیستی نبود- علیرغم خشک سالی و قحطی و هزاران مشکلات و سختی های دیگر، قادر شد با کمال ایثار و فداکاری و با نهایت کوشش شبانه روزی در پرتوی دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا چون کشتی رهائی بخش در انبوهی از امواج مهیب پر تلاطم بسوی ساحل نجات به پیش رود .

بدیهی است دیگر در چنین شرایطی هرگز نمی توان سخن از همکاری با بورژوازی تحت عنوان " بگذار صد گل بشگفت و صد مکتب با هم مبارزه کند " و یا تحت شعار " با برخورد صحیح با بورژوازی می توان وی را به سوسیالیسم جلب نمود " بمیان آورد و به پاسداری از ساختمان سوسیالیسم پرداخت و تداوم آنرا خواستار بود . چراکه در این صورت با توجه ؛ به آداب و سنن بورژوازی و خرده بورژوازی موجود در جامعه که محصول قرنها بهره کشی است- با توجه به تولید کوچک موجود در جامعه که هر ساعت و هر روز از آن بورژوازی تراوش می کند- با توجه به برخورداری امکانات عظیم موجود در جامعه که بورژوازی سرنگون شده در اختیار دارد- با توجه به ارتباط استوار و روابط نیرومند بین المللی سرمایه داری ، بدون بکار گیری دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا که هدفش حراست از ساختمان سوسیالیسم جهت نیل به جامعه بدون طبقه کمونیستی است ، بدون استثناء و بیقین جامعه سر از آستین بورژوازی بیرون خواهد آورد و منجر به حکومت سرمایه داری خواهد شد .

دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا بمثابة ستون فقرات دولت زحمتکشان ، آن عامل اصلی و اساسی است که وجودش ضامن برقراری بیش از 30 سال ساختمان پر عظمت و شکوهمند انسان نوین ساز

سوسیالیسم در شوروی بود . و فقدانش نیز همان عامل اصلی و اساسی بود که منجر به دولت بورژا- امپریالیستی شوروی گردید .

علت های دیگر از قبیل خرابکاری و اعمال تروریستی ضد انقلاب داخلی و بین المللی چون تاثیرات بسیار مخرب جنگ جهانی دوم، جنگی که حاصل بیش از 20 سال کوشش و تلاش شبانروزی مردم شوروی را نابود کرد- جنگی که زمین سوخته باقی گذاشت و مردم شوروی مجبور بودند از نو آنرا در محاصره گرگان درنده دول امپریالیستی بسازند- جنگی که حداقل 25 میلیون نیروی کار و دهها هزار تن از کادرهای متخصص را که از سازندگان اصلی ساختمان سوسیالیسم در شوروی بودند بربرمنشانه به نابودی کشاند . علل دیگر چون تهدیدات بمب اتمی هر روزه امپریالیسم آمریکا علیه شوروی و با توجه به بکار گیری این سلاح مرگبار کشتار جمعی در هیروشیما و ناکازاکی ، باعث شد بخشی از نیروهای مولده بجای مصرفش در جهت ساختمان سوسیالیسم اجباراً و ناگزیر در جهت تقویت ادوات جنگی و وسائل نظامی و ساختن بمب اتمی بکار گرفته شود . امری که در شرایط متعارف با سوسیالیسم همخوانی ندارد ولی دنیای نا برابر طبقاتی این نقیصه را به شوروی سوسیالیستی تحمیل گرداند .

در واقع همانطوری که باید دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا را بمثابه یگانه ضامن حقیقی دستاوردهای درخشان اکتبر سرخ و تداوم آن دانست ، همچنین باید غیر از علل ذکر شده فوق و موارد دیگر ، علت اصلی شکست ساختمان سوسیالیسم در شوروی را نیز در نابودی دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا و جایگزینی آن با دیکتاتوری بورژوازی که بصورت " دولت عموم خلق " خروشچف ابراز وجود کرد و سبب قدرت گیری طبقات سرمایه دار در دولت و حزب کمونیست گردید ، جستجو نمود .

بهمن ادیب 2006/10/22